

جزاهای بدیل حبس در فقه و حقوق

عبدالخالق فصیحی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی جزاهای بدیل حبس در فقه و حقوق می‌پردازد. حبس به‌عنوان ضمانت اجرای قوانین کیفری از گذشته‌های دور در میان ملل گوناگون رواج داشته است. در ده‌های پسین به کمک یافته‌های جرم‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و جوهی از کاستی‌های زندان و آسیب‌های پیدا و پنهان آن بر زندانی، خانواده‌اش و جامعه آشکار گشته به‌طوری‌که حقوق‌دانان کیفری را به پی‌جویی مجازات‌های جایگزین زندان واداشته‌اند. در این نوشتار پس از تبیین نارسایی‌های زندان، مجازات‌های جایگزین زندان (دوره مراقبتی، جریمه روزانه، خدمات عمومی و مراقبت الکترونیکی) تشریح گردیده است. مجازات‌های جایگزین زندان از نظرگاه فقه، واپسین بخش این مقاله را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: زندان، دوره مراقبتی، جریمه روزانه، خدمات عمومی، مراقبت الکترونیکی

۱. گروه فقه قضایی، مجتمع عالی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، بامیان، افغانستان.



مقدمه

در جامعه حقوق و امتیازاتی وجود دارد که در کنف حمایت قانون قرار دارد. آنان که تکلیفشان را در برابر این حقوق و امتیازات به خوبی انجام ندهند، با قانون روبرو خواهند شد. قانون حقوق و امتیازات را به رسمیت می‌شناسد و ساز و کار حمایت از آن را مشخص می‌کند. در ادبیات حقوقی به این سازوکارهای حمایتی ضمانت اجرا می‌گویند. کارکرد قوانین ماهوی مشروعیت بخشی به حقوق و امتیازات است در حالی که قوانین شکلی ضمانت اجرای آن‌ها را فراهم می‌کند. مجازات ضمانت اجرای قوانین جزای ماهوی است. به باور برخی حقوق دانان مهم‌ترین وجه تمایز حقوق جزا با سایر رشته‌های حقوق را باید در ضمانت اجرای آن جست. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۱۷) در گذشته مهم‌ترین ضمانت اجرای قوانین کیفری را مجازات بدنی؛ همچون سلب حیات، قطع اعضای بدن و تازیانه تشکیل می‌دادند. از ۲۰۰ سال قبل به این سو رفته رفته مجازات‌های سالب آزادی به عنوان مهم‌ترین ابزار صیانت و تضمین قوانین کیفری مطرح گشتند. (بولک، ۱۳۸۷: نه) پیدایش رشته‌ای به نام علم اراده زندان در حوزه حقوق کیفری را باید مولود گسترش نفوذ مجازات‌های سالب آزادی در قوانین کیفری دانست. با گذشت زمان عوامل چند از جمله هویدا شدن آسیب‌ها و مضرات زندان موجب گردید تا بحث مجازات‌های جایگزین زندان در قلمرو حقوق جزا مطرح شود. مجازات‌های جایگزین زندان باعث شد رشته‌ای جدید به نام کیفر شناسی پا در عرصه وجود گذارد. کیفر شناسی به بررسی اعمال و رفتارهایی می‌پردازد که بتوان از آن‌ها به عنوان مجازات استفاده کرد. (آخوندی، ۱۳۸۷، ۳: ۱۲)

۱. مفهوم محبس

محبس در مفهوم عام، مکانی است که در آن افراد متهم یا محکوم با قرار یا فیصله کتبی مقام‌های با صلاحیت به طور موقت یا برای بازه زمانی مشخص و یا دائم نگهداری و مراقبت می‌گردند. (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۲۵ و ۲۷) تعریف یادشده شامل توقیف‌خانه نیز می‌گردد؛ زیرا در توقیف خانه هم افراد متهم با قرار



مقامات با صلاحیت نگهداری می‌شوند.

در زبان عربی واژه‌های زیاد و گوناگونی چون حصر، وقف، ایقاف، اثبات، اقرار، سجن، امساک و حبس در مفهوم زندان به کار رفته است، ولی از میان آن‌ها سجن و حبس از شهرت بیشتری برخوردارند.

در ادبیات حقوقی افغانستان محبس «به محلی اطلاق می‌شود که محکوم علیه بر اساس حکم محکمه به منظور تحمیل مجازات حبس برای مدت معین در آن نگهداری می‌شود». (قانون تنظیم امور زندان‌ها، ۱۳۹۹، ماده ۳، فقره ۶) این نکته قابل تذکر است که در ادبیات حقوقی افغانستان زندان از مفهومی موسع برخوردار است و شامل نظارت خانه، توقیف خانه، مرکز اصلاح و تربیت اطفال و محبس می‌گردد. (همان، ماده ۳، فقره ۱)

۲. انواع محبس

مراقبت از محکومان در محبس به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. این روش‌ها دارای محاسن و معایبی است و ممالک گوناگون متناسب با مختصات اقتصاد، اجتماعی، فرهنگی و... خود از این روش‌ها استفاده می‌کنند. به صورت کلی طرق مراقبت و نگهداری از محکومان پرونده‌های جزایی در محبس از قرار زیر است:

۱-۲. محبس دسته‌جمعی

بر پایه این روش محکومان به طور گروهی و دسته‌جمعی در محبس مراقبت و نگهداری می‌شوند؛ در طول روز به کار دسته‌جمعی می‌پردازند و در طول شب در استراحتگاه‌های عمومی به سر می‌برند. در این روش برقراری تماس و ارتباط میان محبوسان آزاد است. محبوسان بر اساس جنسیت و گاهی هم بر اساس سن از یکدیگر تفکیک می‌شوند. از معایب این سیستم فقدان توجه به نوع جرم ارتكابی و شخصیت محکوم است. از سوی دیگر محبس دسته‌جمعی از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه است و هزینه کم‌تری را نسبت به سایر روش‌های بر بودجه دولت‌ها تحمیل می‌کند. (آخوندی، ۱۳۸۷، ۳: ۸۵)

۲-۲. محبس انفرادی

به خلاف محابس دسته‌جمعی، در این روش محکومان در بندهای انفرادی مدت حبس را می‌گذرانند؛ در تماس، ارتباط، معاشرت و مصاحبت با یکدیگر آزاد نیستند و در دوران سپری نمودن محکومیت جدا از یکدیگر نگهداری می‌شوند. ارباب کلیسا در ادوار گذشته با این دیدگاه که تجرید و تنهایی نقش به‌سزایی در پالودن نفس و جلای باطن دارد حبس انفرادی را مناسب‌ترین شیوه برای تطبیق جزای حبس می‌پنداشتند؛ اما روان‌شناسان در این زمینه نظر دیگری دارند. پژوهش‌های آنان نشان می‌دهد تجرید و عزلت دراز مدت منجر به آسیب‌های روحی و روانی غیرقابل جبران بر انسان می‌شود تا جایی که ممکن است منتهی به جنون گردد. (آخوندی، ۱۳۸۷، ۳: ۸۶)

۲-۳. محبس متناوب

این نوع محبس ترکیبی از محبس دسته‌جمعی و انفرادی است. محبس متناوب تلاش دارد که جنبه‌های مثبت محابس دسته‌جمعی و انفرادی را در خود جای دهد. محبوسین در این سیستم شب‌ها در بندهای انفرادی و روزها به‌صورت دسته‌جمعی کار می‌کنند. (آخوندی، ۱۳۸۷، ۳: ۸۶)

۲-۴. محبس تدریجی

محبوس در این روش ابتدا به‌صورت انفرادی و بعد از سپری کردن مدتی به شکل دسته‌جمعی و کم‌کم موفق به دریافت رهایی مشروط یا رهایی تحت مراقبت و یا نیمه آزادی می‌گردد. خصوصیت این روش در این است که محبوس گام‌به‌گام از آزادی بیشتری بهره‌مند شده و در فرجام رهایی کامل خود را بازمی‌یابد. (آخوندی، ۱۳۸۷، ۳: ۸۷)

۳. انواع محبس در اسلام

نظام جزایی اسلام با محبس بیگانه نبوده و در آن چند نوع محبس مشاهده می‌شود. در نظام جزایی اسلامی محابس بر اساس نوع جرم ارتكابی تقسیم می‌شود. در نظام کیفری اسلام نیز چند نوع زندان به چشم می‌خورد که مبنای تقسیم مذکور جرائم ارتكابی است.



۱-۳. محبس حدی

محبس در اسلام در پاره‌ای مواقع به‌عنوان تطبیق «حد» به کار گرفته می‌شود؛ مانند حبس زنی که مرتکب جرم محاربه شده است. در این مورد محارب را به‌جای نفی بلد یا تبعید محبوس می‌کنند. همچنان سارق می‌کند. برای بار سوم مرتکب جرم سرقت شده است را حبس ابد می‌کنند.

۲-۳. محبس تعزیری

محبس تعزیری نیز در اسلام گاهی به کار گرفته می‌شود. این نوع حبس برای تطبیق مجازات تعزیری صورت می‌گیرد؛ مانند این که دادرسان به‌جای شلاق زدن، مجرم را به حبس محکوم می‌کنند و به این طریق او را تعزیر می‌کنند. یا به‌عنوان مجازات تعزیری علاوه بر تازیانه، مجرم را به حبس نیز می‌افکنند.

۳-۳. محبس اکتشافی

این نوع حبس در اسلام به لحاظ جزایی انجام نمی‌شود به‌عبارت دیگر محبس اکتشافی نه در قالب حد صورت می‌گیرد و نه در قالب تعزیر. حبس اکتشافی معمولاً برای کشف حقیقت است؛ مانند محبوس کردن فرد متهم به این هدف که حقیقت امر روشن شود. امروزه به این نوع حبس بازداشت موقت می‌گویند. جستجو و پژوهش در احادیث شیعه اهل سنت نشان می‌دهد بیشتر محابس معمول در دوران پیامبر و حضرت علی اکتشافی بوده و برای کشف و روشن شدن حقیقت صورت می‌گرفته است. (منتظری نجف‌آبادی، ۴: ۷۷)

۴. علل گرایش به بدیل‌های حبس

جزای حبس هرچند همیشه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین واکنش‌های جزایی جامعه در برابر مجرمان مطمح نظر بوده است؛ اما در زمان فعلی به دلیل کاستی‌ها و نقایصی که در آن مشاهده گردیده، کارشناسان امور جزایی را واداشته تا در پی پاسخ‌های جزایی بدیل باشند. در این قسمت از مقاله به کاستی‌ها و نقایص جزای حبس پرداخته می‌شود.

۱-۴. عدم توفیق در وقایه از جرم

از اهداف جزاها، ارباب و وقایه است. ارباب و بازدارندگی به بازدارندگی عام و خاص بخش می‌شود. هدف بازدارندگی عام، جامعه و هدف بازدارندگی خاص مجرم است. موفقیت جزای حبس در تأمین این هدف در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. گراف‌های ارائه شده از سوی محققان شاهد خوبی است بر این مدعی که جزای حبس موفق به تأمین این هدف نشده است. برای نمونه به گزارش زیر به روشنی گویا عدم توفیق جزای حبس در وقایه و بازدارندگی است:

«در یکی از کشورها آمار تعداد محبوسان در سنوات ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۱ از ۹۱۲۴۳ محبوس به ۱۵۱۰۶۲ محبوس افزایش داشته و بیشترین عدد ۱۶۶۱۱۳ است که مربوط به سال ۱۳۸۰ است. این‌ها بیانگر این است که جزای حبس در کاهش آمار جرائم بازدارندگی و وقایه از جرم تأثیری ندارد؛ بنابراین محبس نه تنها نمی‌تواند امنیت قضایی را برقرار نماید، بلکه بی‌اعتمادی و ناامنی قضایی نسبت به قوه قضا را نیز موجب خواهد شد. علت عدم توفیق نقش بازدارندگی را بعضی در این دانسته‌اند که جرم تابعی از عوامل همچون فقر، بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت و... است که محبس در نابودی آن‌ها هیچ نقشی و تأثیری ندارد و تا زمانی که علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه موجود باشد، حبس از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد.» (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶: ۴۰)

ناگفته نماند که از علل اصلی بالا بودن جمعیت محبوسین مکرر، مشکلات و نواقصی است که در جزای حبس و اجرای آن وجود دارد. این مسئله باعث می‌شود که انگیزه برای جستجوی بدیل‌های حبس تقویت پیدا کند و متخصصان علوم جنایی به دنبال راه‌هایی باشند که مشکلات و نواقص حبس را نداشته باشد.

۲-۴. عدم موفقیت در اصلاح و درمان محبوسین

از دیگر اهداف جزاها بازپذیری دوباره اجتماعی مجرمان و اصلاح و بهبودی آن‌ها است. این ایده که مجرمان باید اصلاح شوند و با بهبودی به دامن جامعه بازگردند یکی از اصول مکتب دفاع اجتماعی نوین به شمار می‌رود. تفکر اصلاح و بازپذیری



در قوانین بین‌المللی بازتاب یافته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به اصول حداقلی که رعایت آن لازم است در دو سند بین‌المللی اشاره کرد نخست میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) سازمان ملل و دیگر نحوه رفتار اصلاحی با محبوسین. (مصوب ۱۹۵۵) این اسناد به دنبال تلطیف مجازات حبس هستند و در کنار آن سیاست اصلاح و درمان محکومان را نیز دنبال می‌کنند؛ اما متأسفانه با توجه به نواقص و کاستی‌هایی که در جزای حبس و نحوه تطبیق آن وجود دارد، جنبه بازپروی و اصلاح جزای حبس موفق نبوده است. از مواردی که می‌شود در تأیید ناکارآمدی جزای حبس ارائه کرد، مسئله تکرار جرم و جلوگیری از ارتکاب جرم و اصلاح درمان محبوسین است، پژوهش به‌عمل آمده در استان اردبیل ایران است. به این شرح که مقدار ارتکاب مجدد جرم توسط اشخاصی که قبلاً محبوس بوده‌اند ۳۳/۸۲ فیصد و میان محکومینی که جزای آنها تعلیق شده فقط ۳/۹۵ فیصد است. علاوه بر آن به گزارش خبرگزاری ایسنا در اینترنت قسمت فقه و حقوق مورخ ۸۲/۹/۱۹ رئیس سازمان محابس در همایش سه روزه «راهکارهای علمی و فعالیت‌های مراکز مراقبت بعد از خروج» اعلام کرد ۴۰ درصد زندانیان در دنیا پس از آزادی مرتکب جرم می‌شوند و این رقم در کشور ایران ۳۰ درصد است. (همان، ۴۱ و ۴۲)

۳-۴. نقل و انتقال تجارب مجرمانه

«بزه‌کار از بدو ورود به محبس تا خروج از آن، شخصیتی متفاوت می‌یابد و حبس، نه‌تنها مجرم را اصلاح و تربیت نمی‌کند، موجب حرفه‌ای شدن او می‌گردد؛ زیرا رفتار متقابل محبوسان و تأثیرگذاری آنان بر یکدیگر، باعث نقل و انتقال سوابق مجرمانه می‌شود. در فرهنگ محبس، از شخصی که مرتکب جرائم زیادی شده است، به‌مثابه فردی هوشیار و زرنگ نام‌برده می‌شود. عرف محابس چنین است که در هر سلول که چندین محبوس اقامت دارند، یک نفر به‌عنوان بزرگ و مسئول کارهای آن‌ها و برای رتق و فتق امور روزانه انتخاب می‌شود و یکی از شرایط گزینش ارشد، سابقه‌دار بودن فرد و آشنایی با قوانین و ضوابط و مسائل محبس است؛ یعنی شخص با سابقه، نسبت به دیگران امتیازاتی دارد و محکومان حرفه‌ای در محابس نقش پیشکسوت

دارند. مجموعه عوامل بالا موجب می‌گردد تا محکوم به حبس در زمان خروج از محبس، حرفه‌ای‌تر شده، حالت خطرناک و جرم‌زایی او تقویت گردد. در تحقیقی که در یکی از محابس به عمل آمد، پژوهشگران متوجه شدند بیشتر محبوسین به علت جرائم سنگین‌تر نسبت به جرائم پیشین، به محبس بازمی‌گردند و به دوستان خود وعده دیدار می‌دهند.» (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

در کشوری مانند ایران هر سال تقریباً شش صد هزار نفر توقیف و روانه محابس می‌شوند. از جمعیت مذکور چهل و هفت درصد زیر ده روز و شصت و شش درصدشان زیر یک ماه در حبس به سر می‌برند. (آمار سال ۱۳۸۰) پیامدهای سوء محبس شامل این گروه از متهمان نیز می‌شود. (همان: ۱۱۵)

۴-۴. بار اقتصادی محبس

ساخت و راه‌اندازی محبس هزینه دارد. علاوه بر هزینه ساخت، استخدام نیروهایی که محبس را اداره کنند، هزینه‌های سنگینی را بر دوش دولت و مردمی که مالیات پرداخت می‌کنند، تحمیل خواهد کرد. جنبه دیگر بار اقتصادی حبس، محروم شدن محبوس از درآمد و فعالیت اقتصادی است که هم خانواده و هم جامعه از آن متضرر می‌شود. محروم شدن محبوس از فعالیت اقتصادی و منابع درآمدی‌اش تدارک خسارت بزه دیده را نیز دچار مشکل می‌نماید. (محدث، ۱۳۸۸: ۱۶)

۴-۵. ایجاد مشکلات مالی و اجتماعی برای محبوس

وقتی شخصی مدتی را در زندان می‌گذراند، مطمئناً نه خود او می‌تواند مسائل اقتصادی خود را حل کند و نه خانواده او. در این صورت در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که شخص پس از رهایی از زندان به خاطر مشکلات مالی و اقتصادی که یا قبلاً دچار آن بوده و برطرف نشده یا با آمدن به زندان به وجود آمده و تشدید شده، دست به ارتکاب جرم دیگری می‌زند. در بسیاری از موارد خانواده‌ای که سرپرست آن در زندان به سر می‌برد، به راه‌های خلاف برای گذران زندگی کشانده می‌شوند. بروز چالش‌های اجتماعی بعد دیگری از نواقص و کمبودهای حبس است. افراد تا



هنگامی که پای به محبس گذاشته‌اند از پایگاه و اعتبار اجتماعی برخوردارند ولی همین که پایش به محبس باز شد هرچند به‌عنوان مظنون و متهم چند روزی توقیف شود، از چشم مردم می‌افتد و جامعه به او به چشم مجرم خطرناک نگاه می‌کند. این مسئله متأسفانه به خانواده وی نیز سرایت می‌کند و خانواده او نیز اعتبار و منزلت اجتماعی گذشته را از دست می‌دهد. حالا اگر فردی برای مدتی در محبس باشد، خودش و خانواده اش موقعیت اجتماعی اش را از دست خواهد داد. پس حبس موجب ایجاد مشکلات اجتماعی می‌شود.

۴-۶ ورود، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در محبس

در سال ۸۱ یکی از مسئولان محابس ایران می‌گوید:

«از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ تا مهرماه ۱۳۸۱ هشتاد کیلوگرم هروئین در زندان‌های کشور کشف شده است. در این مدت ۱۲ هزار پرونده مربوط به کشف مواد مخدر در زندان‌های کشور برای ارجاع به مراجع قضایی تشکیل شده است. وارد کردن توزیع و استعمال مواد مخدر در زندان، مخالف با اهدافی است که قانون‌گذار از مقرر کردن مجازات زندان در نظر داشته است. این در حالی است که ۲۵ تا ۳۰ درصد زندانیان کشور معتادانی تشکیل می‌دهد که برای بازپروری و ترک اعتیاد روانه زندان شده‌اند.» (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۱۷)

۴-۷. مسائل بهداشتی محبس و بیماری‌های واگیر

از جمله موارد قابل توجه، پیامدهای و مشکلات بهداشتی محابس است. در این میان شیوع و گسترش بیماری ایدز از موضوعات خطرناکی است که مسئولان محابس با آن درگیر هستند. مطابق تحقیقات شیوع بیماری‌های ایدز و هپاتیت در محابس چند برابر سطح جامعه است. به‌عنوان نمونه رئیس سازمان محابس ایران در این زمینه می‌گوید:

وضعیت بهداشتی زندان‌ها به هم ریخته است و باید برای آن یک فکر جدی کرد؛ مثلاً کارتن خواب‌هایی هستند که دو سال حمام نرفته‌اند و بدنشان رخم شده است

و ما مجبور به پذیرش آن‌ها هستیم. زندان‌ها مکان اصلی پرورش ایدز و بیماری‌های مسری است. افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها، منجر به افزایش آمار مبتلایان به ایدز گردیده است. (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۳۸۶: ۵۲؛ گودرزی ۱۳۸۸: ۱۲۶)

۴-۸. بیکاری و انزوای اجتماعی

بیکاری و انزوای اجتماعی از دیگر آثار منفی محبس است. محبوس پس از سپری کردن دوران حبس رها می‌شود و مجدداً وارد اجتماع می‌گردد، او برای یافتن شغل جدید با موانع و تنگنای‌های فراوانی روبرو می‌شود. (حاجی تبار فیروز جایی، ۱۳۸۶: ۵۲ و گودرزی، ۱۸۳۲: ۱۲۶)

آنچه ذکر شد، بخشی از علل گرایش به مجازات‌های بدیل حبس بود. علل دیگری نیز وجود دارد که برای پرهیز از اطالۀ کلام، فقط به‌عنوان آن‌ها اشاره می‌شود: تأثیرات منفی زندان بر خانواده محبوس، خشونت‌های محبس، چالش‌های اخلاقی و جنسی در محابس، زوال حس مسئولیت‌پذیری، آثار منفی روحی و روانی، منافات با قاعده شخصی بودن جزاها و تراکم بالای جمعیت محابس.

۵. انواع بدیل‌های حبس

۵-۱. بدیل‌های تقنینی

در این نوع جایگزینی، قوه مقننه با ملاحظه سیاست جنایی کشور و هم‌چنین با کمک از تحقیقات جزاشناسی به‌خصوص جزای حبس که آثار منفی این جزا در عصر کنونی به‌خوبی روشن شده است، راه‌هایی را به‌عنوان بدیل جزای حبس معرفی می‌کند. از این عملیات قوه مقننه به نام سیاست بدیل تقنینی جزای حبس یاد می‌شود.

۵-۲. بدیل‌های قضایی

از این اصطلاح ژان پیناتل با عنوان «تناوب‌های کیفرهای کوتاه‌مدت زندان» یاد می‌نمایند. بدیل قضایی این مفهوم را می‌رساند که محاکم و دادرسان در مرحله تعیین جزا با ملاحظه نوعیت و مقدار شدت و خطرناکی رفتار مجرمانه و وضعیت اجتماعی ارتکاب جرم و پرونده شخصیت مرتکب، صلاحیت پیشنهاد بدیل‌های حبس را



به جای جزای حبس داشته باشد. به عنوان مثال تعلیق اجرای مجازات از بدیل های قضایی تلقی می شود. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶: ۷۵)

۶. جزایای بدیل حبس

جزایای بدیل حبس در مفهوم عام آن در یک دسته بندی بر اساس زمان به بدیل های قبل از محاکمه و بدیل های بعد از محاکمه تقسیم می شوند. به بدیل های دسته اول توقیف موقت و به بدیل های دسته دوم بدیل های جزای حبس نیز گفته می شود.

مجازات های بدیل حبس در تقسیم بندی دیگر به جزای سنتی و جزای جدید قابل بخش است. این تقسیم بندی را می توان در حقوق برخی از کشورها پیاده نمود. منظور از بدیل های سنتی همان گونه که از عنوان آن برمی آید، این است که از زمان حقوق کیفری مدرن (مکتب کلاسیک به بعد) یا در همان سال های اولیه قانون گذاری در هر کشوری پیش بینی شده است؛ اما منظور از جایگزین های جدید این است که طی چند سال یا دهه اخیر در قوانین کیفری کشورها مقرر شده اند.

از آنجاکه بدیل های سنتی حبس در کتب حقوقی مبسوط مطرح شده اند، فقط از عناوین آن ها ذکر می شود:

۱. آزادی مشروط

۲. تعلیق اجرای مجازات

۳. جزای نقدی

۴. محرومیت از حقوق اجتماعی

اما بدیل های جدید حبس، همان طور که گفته شد مراد از آن ها، سازوکارهایی است که در سال های اخیر در حقوق جزا به عنوان بدیل های حبس مطرح شده اند که در ادامه به برخی از آن ها می پردازیم:

۱-۶. دوره مراقبتی

دوره مراقبتی برگردان probation order است. دوره مراقبتی از مشهورترین نهادهای بدیل جزای حبس است. این نوع بدیل جزای حبس عبارت است از رها کردن مجرم

زیر نظر و سرپرستی و نظارت مأموران دوره مراقبتی آماده سازند. رابرت هریس معتقد است که: «دوره مراقبتی، یک روش مجازات با مبانی جامعه‌شناختی - تربیتی است که با ترکیبی از سرپرستی و مساعدت مشخص می‌گردد. این روش در نظام آزاد، در مجرمینی اعمال می‌گردد که انتخاب آن‌ها برحسب شخصیت جرم‌شناختی و جرم‌پذیری آن‌ها بوده است». (کواشی، ۱۳۷۷: ۱۵)

مبدع دوره مراقبتی جان آگوستوس، کفاح بوستونی بود. جان آگوستوس در ۱۸۴۱ از محاکم بوستون خواست تا مجرمانی را برای مراقبت به وی بسپارند. در سال ۱۸۷۸ نخستین سند قانونی دوره مراقبتی در ایالت ماساچوست به تصویب رسید و شهردار بوستون اجازه یافت تا افسری را به منظور اجرای دوره مراقبتی استخدام نماید. (کواشی، ۱۳۷۷: ۴۳، ۴۲، ۱۱۰)

دوره مراقبتی به دنبال تحقق اهداف زیر است: ۱. فراهم‌سازی زمینه بازگشت مجدد مجرم به جامعه و پیشگیری از تکرار جرم؛ ۲. فراهم‌سازی بدیل مناسب برای جزای حبس نسبت به مجرمانی که در معرض خطرات حبس‌اند؛ ۳. نظارت بر محکومان که منجر به محافظت از جامعه خواهد شد؛ ۴. کاستن از جمعیت کیفری محابس.

۲-۶. جریمه روزانه

در کنار جزاهای دیگر، محکومیت به جریمه‌های مالی در نظام‌های کیفری دنیا امری مرسوم و شایع است. جریمه‌هایی که در آرای قضایی محاکم انعکاس می‌یابند، مبالغ نامعینی هستند که قانون‌گذار برای ارتکاب جرائم خاصی پیش‌بینی کرده است. در جریمه نقدی بیشتر به نوعیت عمل مجرمانه توجه می‌شود و وضعیت مالی مجرم در درجه دوم اهمیت قرار دارد. میان جریمه‌های ثابت سنتی و جریمه‌های روزانه تفاوت وجود دارد. در نظام پرداخت جریمه‌های نقدی روزانه محکمه میزان جریمه نقدی را بر پایه شدت و خفت جرم مشخص می‌نماید. اتخاذ تصمیم محکمه پیرامون میزان جریمه نقدی روزانه توسط مجرم قابل استیناف خواهی است. از ویژگی‌های جریمه‌های روزانه این است که عدم پرداخت جریمه مذکور منجر به حبس مجرم می‌شود نقدی روزانه می‌شود. (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۸۳)



۳-۶. خدمات عمومی

کار عام المنفعه یا خدمات عمومی برای محکومان کم خطر پیشنهاد می شود. در این نوع بدیل حبس محکوم با انجام کارهای عام المنفعه به نفع جامعه تلاش می کند تا خساراتی را که با ارتکاب جرم به جامعه وارد کرده را تدارک نماید. پیشینه خدمات اجتماعی به جای سایر جزاها به امپراتوری روم بازمی گردد. سپس در اروپای بعد از جنبش روشنگری جرم شناس متکب اصالت تجربه سزار بکاریا در اثر معروفش «رساله جرم و مجازات ها ۱۷۶۴» کار عام المنفعه را به جایگزین جزای سرقت پیشنهاد کرد. او معتقد بود که با سرقت های عاری از خشونت باید با جزای مالی برخورد کرد. امروزه کار عام المنفعه و خدمات عمومی تشکیلاتی است که محاکم به محکوم پیشنهاد می کنند تا به جای حبس در پی تدارک و جبرانی اشتباهی باشد که مرتکب شده است و این تدارک و جبران اشتباه از طریق انجام کارهای عام المنفعه و خدمات عمومی انجام می شود. در نهاد خدمات عمومی که یکی از انواع محکومیت است در آن محکوم با توجه به میزان خطر او برای جامعه و به هدف جبران خسارت های وارده به مجنی علیه باید به طور رایگان به نفع جامعه خدمات عمومی ارائه دهد.

خدمات عمومی شخصیت محکوم را رشد می دهد و عزت نفس او را بالا می برد و احساس مسئولیت در مجرم را افزایش می دهد. این روش راه مناسبی است برای جبران خسارت های ناشی از ارتکاب جرم که توسط مجرم انجام یافته است.

رضایت محکوم به انجام کارهای عام المنفعه و خدمات عمومی و توانایی او به انجام آن از شرایط اساسی صدور حکم خدمات عمومی بدیل حبس از سوی محاکم است. چنانچه محکوم به خدمات عمومی رضایت نداشته باشد یا توانایی انجام آن در او نباشد، حکم به حبس یا بدیل دیگری خواهد شد. (محدث، ۱۳۸۸: ۳۸ و ۳۹)

۴-۶. مراقبت الکترونیکی Electronic monitoring

مترادف مراقبت الکترونیکی در حقوق فرانسه، دست بند الکترونیکی است و فرانسوی ها علاقه دارند از دست بند الکترونیکی به جای مراقبت الکترونیکی استفاده کنند. مفهوم مراقبت الکترونیکی آن است که کسی را در محل زندگی و سکونتش



تحت مراقبت الکترونیکی قرار دهند. این نوع بدیل حبس نوعی بازداشت در مکان سکونت است که به وسیله ابزارهای الکترونیکی اجرا و نظارت می‌شود. در این روش به میچ دست یا قوزک پای محکوم دست بندی فرستنده‌ای شبیه به ساعت وصل می‌کنند. مرکز کنترل که معمولاً مراکز پلیس است از طریق این فرستنده آگاهی می‌یابند که آیا شخص تحت مراقبت در ساعات موردنظر در محل سکونت خویش حضور دارد یا خیر. در این روش چنانچه محکوم شرایط و مقرراتی را که در حکم او توسط محکمه آمده است را نقض کند، موضوع سریع از طریق مراکز کنترل به محاکم گزارش خواهد شد.

۵-۶. مراقبت الکترونیکی بدیل حبس

محققان در دانشگاه هاروارد به سال ۱۹۶۴ تحقیقاتی را پیرامون مراقبت الکترونیکی به سامان رساندند. هدف محققان در دانشگاه هاروارد استفاده از مراقبت الکترونیکی به عنوان وسیله‌ای برای بازپروری اجتماعی و کاهش جرم بود. در ادامه به سال ۱۹۷۱ از مراقبت الکترونیکی به عنوان بدیل نگهداری جوانان در یک موسسه مطرح گردید. فلوریدا و نیومکزیکو نخستین ایالاتی بود که مراقبت الکترونیکی در آن‌ها پیاده شد. به تدریج، رفته رفته هدف‌های این نوع بدیل حبس تغییر کرد؛ در ابتدا هدف مراقبت الکترونیکی بازپروری اجتماعی بود اما اکنون به عنوان روشی برای کاهش تراکم جمعیت محابس از آن استفاده می‌شود.

۱-۵-۶. محاسن و معایب مراقبت الکترونیکی

محققان راجع به مراقبت الکترونیکی تحقیقاتی را انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیقات نکات مثبتی را نشان می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد نهادهایی مانند جمعیت محابس، هزینه دعاوی، تکرار جرم، بازپروری اجتماعی در سایه مراقبت الکترونیکی متحول شده‌اند. در مقابل برای مراقبت الکترونیکی معایب و نقاط ضعفی هم بر شمرده‌اند. این معایب بیشتر جنبه اخلاقی دارند تا فنی و تکنیکی. در مراقبت الکترونیکی ممکن است میان محکومانی که محل اقامت مشخص دارند و محکومانی که محل اقامت مشخص ندارند، نابرابری و تبعیض به وجود بیاید.



در نظام‌هایی که شعارشان برابری همهٔ آحاد جامعه در برابر قانون است مراقبت الکترونیکی باعث نقض این شعار خواهد شد. علاوه بر آنچه ذکر شد در جاهایی که مراقبت الکترونیکی بدیل توقیف موقت می‌گردد، احتمال تکرار جرم، تبانی و فرار در مقایسه با توقیف در محابس بسته بیشتر است. از این روی چنانچه هدف از مراقبت الکترونیکی پیشگیری از فرار مظنون و متهم باشد، این امر با مراقبت الکترونیکی به‌سختی میسر می‌شود. از دیگر هدف‌های مراقبت الکترونیکی مدیریت هزینه‌های حبس است؛ اما مراقبت الکترونیکی خود نیاز به بودجه و سرمایه هنگفت مالی دارد. چنانکه در برخی کشورهای به دلیل هزینه‌های مالی فراوان موردنیاز با عدم اجرای این نوع از بدیل حبس بوده‌ایم. هم‌چنین باید خاطرنشان کرد که تجاوز به حریم خصوصی و خلوت خانواده‌های محکومان از مهم‌ترین معایب مراقب الکترونیکی به شمار می‌رود.

۲-۵-۶. جایگاه مراقبت الکترونیکی در فقه

نظام مراقبت الکترونیکی نظامی است که می‌تواند در بخش‌های مختلف فرایند تعقیب و مجازات مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از نظام مراقبت الکترونیکی در نظام کیفری اسلام با ابهاماتی مواجه است که پیش به‌کارگیری آن در فرایند کیفری باید این ابهامات زدوده گردد. مهم‌ترین ابهاماتی که مراقبت الکترونیکی در برابر فقه با آن مواجه است از قرار زیر است:

۱. آیا ادله شرعی و مبانی فقهی و اخلاقی اسلام، مراقبت الکترونیکی را توجیه می‌کند؟ زیرا به کاری‌گیری نظام مراقبت الکترونیکی در پاره‌ای از موارد منجر به دخالت در خلوت اشخاص می‌گردد و برخی موارد نیز زندگی خصوصی اطرافیان محکوم را مورد تجاوز و تعرض قرار می‌دهد. آیا فقه اسلام تجسس و تفحص در زندگی خصوصی و خلوت افراد را جایز می‌داند؟
۲. در نظام جزایی اسلام، حبس حدی نیز وجود دارد. آیا می‌توان به‌جای حبس حدی از مراقبت الکترونیکی استفاده کرد؟
۳. در سیستم جزایی اسلام علاوه بر جهازهایی مانند قصاص و حدود، جهازهای تعزیری



نیز داریم. آیا قضات اسلامی می‌توانند به‌جای استفاده از جزاهای تعزیری از مراقبت الکترونیکی به‌عنوان بدیل آن استفاده کنند؟

در این قسمت به پرسش نخست پاسخ داده می‌شود و پاسخ دو سؤال دیگر را به بخش دیگر این مقاله حواله می‌شود؛ بخشی که مجازات‌های جایگزین حبس را به‌طورکلی از منظر فقه بررسی خواهد کرد. پاسخ به سؤال اول را می‌توان در حوزه حکم اولیه و ثانویه دنبال کرد. از نگاه حکم اولیه، فقه اسلامی تفحص و تجسس در زندگی شخصی و خصوصی افراد را یکی از گناهان بزرگ معرفی نموده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا (حجرات: ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزد؛ زیرا بسیاری از آن‌ها گناه‌اند و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید و یکدیگر را غیبت نکنید.

حرمت تجسس در روایات نیز انعکاس یافته است. به‌عنوان نمونه امام^(ع) می‌فرماید:

«وَمَنْ مَشَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ وَكَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلُ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَكَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ؛ هرکس در راه جستجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده و خداوند عیوب او را برهمگان آشکار خواهد کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲: ۲۸۶)

هم‌چنین در نظام قضایی اسلام عنوان شده است که اگر گواهان به مسئله‌ای شهادت دهند که آن را بر اثر تجسس و تفحص و کنجکاوی دیده‌اند، گواهی آن‌ها پذیرفته نمی‌شود زیرا تفحص و جستجو در امور شخصی و خلوت افراد در اسلام حرام است و ارتکاب حرام عدالت آن‌ها را زایل کرده است. در پاسخ استفتایی در این زمینه بیان شده است: «اگر با تفحص محرم باشد و آن‌هم ثابت شود، سبب سقوط شهود از عدالت می‌شود و شهادتشان مقبول نیست». (گنجینه استفتانات قضایی، سوال ۵۸۶۵)



از همین روی اگر نظام مراقبت الکترونیکی موجب بر ملا شدن اسرار و تفحص در امور شخصی و خلوت افراد گردد، جایز نبوده و قاضی نمی‌تواند برای محکوم چنین بدیلی را پیشنهاد کند.

آنچه گفته شد بر اساس حکم اولیه بود؛ اما مطابق حکم اولیه تجسس و افشای اسرار زندگی خصوصی افراد حرام است. هر چند احتمال دارد در برخی وضعیت‌ها استفاده از مراقبت الکترونیکی بر اساس حکم ثانویه جایز باشد؛ زیرا برخی مواقع مصلحت ایجاب می‌کند حاکم در امور شخصی محکومان از طریق مراقبت الکترونیکی تجسس و تفحص نماید.

۵. مجازات‌های بدیل حبس از دیدگاه فقه

همان‌طور که بیان شد، مجازات زندان در حقوق اسلامی به زندان حدی و تعزیری تقسیم می‌شود. در قانون مجازات اسلامی نیز با دو نوع حبس حدی و تعزیری مواجه هستیم. در این قسمت از نوشته جایگاه مجازات‌های جایگزین زندان در فقه را در دو بخش زندان حدی و تعزیری دنبال خواهیم کرد.

۵-۱. حبس حدی

در حقوق اسلامی برای برخی جرائم حدی مجازات زندان پیش‌بینی شده است. از ویژگی‌های مجازات‌های حدی سختگیری شارع در آن‌ها است. حال پرسش این است که آیا می‌توان کسی را که مرتکب جرمی شده است که مجازات آن زندان حدی است به مجازات دیگر مثلاً جریمه روزانه محکوم کرد؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت باشد. برای اثبات این مطلب می‌توان به دو شیوه استدلال نمود:

۵-۱-۱. قیاس اولویت

فقیهان بر پایه روایات قاعده‌ای را مطرح کرده‌اند که امام^(ع) با شرایطی می‌تواند مرتکب جرم حدی را عفو نماید. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۷، ۱۸۶) بسیاری از فقیهان نیز به خلاف گروهی اندکی، این اختیار را تعمیم داده و شامل ولی فقیه نیز می‌دانند. (شاهرودی، ۱۳۸۷: ۱۹۸) یکی از فقیهان معاصر درباره استدلال مذکور می‌نگارد:

«وقتی حاکم حق بخشیدن تمام حد را دارد، حق بخشیدن بخشی از آن یا حق تخفیف به صورت تبدیل آن به مجازات تعزیری سبک‌تر را به طریق اولی داراست». بنابراین چون حاکم حق بخشیدن زندان حدی را دارد، به طریق اولی حق تبدیل آن را به انواع دیگر مجازات‌ها مثل خدمات عمومی را دارد.

۵-۱-۲. حکم حکومتی

مراد از حکم حکومتی، حکمی است که حاکم در مقام اجرای احکام شرعی و با توجه به مصلحت اجرایی وضع می‌کند و با تغییر شرایط تغییر می‌یابد. تأیید ولایی در استفاده از اختیارات ولی فقیه به جانشینی از امام معصوم^(ع) در امور شخصی مردم به درجه‌ای است که وی می‌تواند در مواردی که زوجه در طول زندگی مشترک دچار عسر و حرج شود، علی‌رغم خواست زوج او را مطلقه نماید یا برای خروج زوجه فرد مفقودالاثَر از بلا تکلیفی و سرگردانی برای پیدا شدن زوج مهلت و زمان تعیین کند. بنابراین به طریق اولی در موضوعات کلی و مسائل عمومی که مصالح و منافع کلی جامعه و مشقت و عسرت عمومی مطرح است از حکم ولایی می‌توان استفاده نمود. (کشوری، ۱۳۷۲، ۸: ۱۲۴)

با توجه به آنچه درباره آثار منفی و عوارض زندان در شرایط فعلی برای زندانی و خانواده وی و جامعه مطرح شد، حاکم اسلامی می‌تواند با صدور حکم حکومتی استفاده از مجازات‌های جایگزین را برای زندان تا زمانی که شرایط زندان در حد قابل قبولی ارتقا یابد را تجویز نماید.

۵-۲. حبس تعزیری

در حقوق اسلامی در پاره‌ای موارد مرتکب جرم تعزیری محکوم به حبس می‌شود. در قانون مجازات اسلامی نیز حبس تعزیری پیش‌بینی شده است. در باب حبس تعزیری یافتن توجیه فقهی برای جایگزین‌های آن آسان‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در فقه قاعده‌ای به نام التعزیر بید الحاکم داریم. مفاد این قاعد این است که حاکم در اندازه، مقدار، نوع، تخفیف، تعلیق و تشدید آن‌ها اختیار دارد و باید طبق مصالح اسلام و مسلمین با هدف پیش‌گیری از ارتکاب جرم به هر صورت که مصلحت



بداند، بزه‌کار را مجازات نماید. البته اختیارات امام و حاکم در تعزیر این گونه نیست که و نمی‌تواند طبق میل نفسانی خود آن را انجام دهد، بلکه باید با تحقیق و ارزیابی حال بزه‌کار و پیش‌بینی شرایط اجتماعی در مورد کیفیت، کمیت، نوع و مقدار و تخفیف و یا عفو از مجازات به نحوی که مصلحت بزه‌کار و دیگر مردم اقتضا دارد با رعایت تناسب بین جرم و مجازات تصمیم بگیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۲۵-۳۲۶)

بنابراین با توجه به اختیارات گسترده حاکم در حوزه تعزیرات، حاکم به راحتی می‌تواند به جای زندان تعزیری از دیگر انواع مجازات‌های مثل جریمه روزانه، خدمات عمومی و مراقبت الکترونیکی استفاده کند. البته ناگفته نماند که ابتدا باید مصلحت محکوم و جامعه بررسی شود و سپس تصمیم مقتضی گرفته شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در حقوق کیفری زندان‌های گوناگونی داریم، در حقوق اسلامی هم زندان به زندان حدی، تعزیری و اکتشافی تقسیم می‌شود. در حقوق کیفری عرفی نارسایی‌های زندان حقوق‌دانان را واداشته تا به فکر مجازات‌های جایگزین باشند. مجازات‌های جایگزین زندان در یک دسته‌بندی به جایگزین‌های سنتی و جدید بخش می‌شود. جایگزین‌های جدید همچون دوره مراقبتی، جریمه روزانه، خدمات عمومی و مراقبت الکترونیکی در برخی کشورها به عنوان جایگزین مجازات حبس با شرایطی اجرا می‌شود؛ اما از نظر فقه اسلامی که معمولاً موجب حبس یا ارتکاب جرم حدی یا تعزیری است، جایگزین‌های حبس را در زندان حدی با قیاس اولویت و حکم حکومتی قابل توجیه است. درباره زندان تعزیری با توجه به قاعده التعزیر بید الحاکم کار از دشواری کمتری برخوردار است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ هفتم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، تهران: نشر گرایش.
۳. بولک، برنار، (۱۳۸۷)، *کیفرشناسی*، (ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی)، چاپ هشتم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. حاجی تبار فیروز جایی، (۱۳۸۶)، *جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران*، چاپ اول، تهران: ایران، انتشارات فردوسی.
۶. حاجی ده‌آبادی، احمد، (۱۳۸۷)، *قواعد فقه جزایی*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۸. شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۷)، *بایسته‌های فقه جزایی*، تهران: نشر میزان.
۹. طبسی، نجم‌الدین، (۱۴۲۷)، *زندان و تبعید در اسلام*، (مترجم: حسینی، سید محمدرضا و شفیعی)، مصطفی، چاپ اول، قم: صفحه نگار.
۱۰. قیاسی، جلال‌الدین و دیگران، (۱۳۸۵)، *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی*، چاپ اول، قم: ایران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. کشوری، عیسی، (۱۳۷۲)، «*مرور زمان در حقوق اسلام*»، مجله حقوقی قضایی دادگستری، تابستان، شماره ۸، ص ۱۴۲.



۱۲. کواشی، هامایی، (۱۳۷۷)، *تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی*، (ترجمه: حسن آقایی نیا)، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۳. گودرزی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «*نارسایی‌های زندان*»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۹-۱۰، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۱۴. محدث، محسن، (۱۳۸۸)، *مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین*، چاپ اول، تهران: ایران، نگاه بینه.
۱۵. منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی، (۱۴۰۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، (مترجم: محمود صلواتی)، چاپ اول، قم: مؤسسه کیهان.
۱۶. لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان.
۱۷. نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی.

